



The Role of the Mosque in spreading Shia education in the Safavid Era society

Jahanbakhsh Savagheb¹ 

1. Professor of History, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, University of Lorestan, Khoramabad, Iran, Email: jahan_savagheb@yahoo.com

Article Info

ABSTRACT

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 3June2023

Received in revised

form: 19Dece2023

Accepted: 29Dece2023

Publishedonline: 5Janu 2024

Keywords:

Safavid kings,
Shia scholars,
Mosque,
Iranian society,
Shia education.

The important action of Shah Ismail I (907-930 A.H.) in recognizing the Shia religion in Iran, and establishing a link between religion and politics in the Safavid government, played a major role in creating political unity and forming national and territorial identity.

After the formation of the government, the Safavids realized that they needed extensive cultural and civilizational measures to establish this religion in the society and institutionalize it.

These measures were made possible by utilizing the capacity of religious institutions and Shiite scholars. Safavid made extensive efforts for cultural and civil measures in line with the policy of Shiite of the society and stabilization of the position of this religion.

By building mosques as a religious base that had the task of promoting Shia belief and jurisprudence in society, and by rebuilding Shia shrines and Imamzadeh mosque, the Safavids were able to institutionalize and expand Shi'ism in Iranian culture and expand mosques and build religious buildings. The purpose of this article is to investigate the role of the mosque in disseminating Shia education in the Iranian society of the Safavid era, in a descriptive-analytical way. The findings of the research have shown that during the Safavid era, with the expansion of the tradition of building mosques and rebuilding and reforming previous mosques, this religious base was used favorably with the help of Shia scholars in promoting and disseminating Shia knowledge in the society.

Cite this article: Savagheb, Jahanbakhsh (2024). **The Role of the Mosque in spreading Shia education in the Safavid Era society.** Journal of Historical Researches of Iran and Islam, vol 17, No.33 Pages: 25-52.

DOI. 10.22111/JHR.2023.41783.3350



© The Author: Jahanbakhsh Savagheb
Publisher: University of Sistan and Baluchestan

پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، دوره ۱۷، شماره ۳۳ پاییز و زمستان ۱۴۰۲

نقش مسجد در نشر معارف شیعی در جامعه عصر صفویه

جهانبخش ثواقب^۱

۱. استاد گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران، رایانامه: jahan_savagheb@yahoo.com

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

اقدام مهم شاه اسماعیل اول (۹۳۰-۹۰۷ ق.م) در رسمیت‌بخشی مذهب تشیع در ایران و برقراری پیوند بین مذهب و سیاست در حکومت صفویه، در ایجاد وحدت سیاسی و شکل‌گیری هویت ملی و ارضی نقش عمده‌ای ایفا کرد. صفویان پس از تشکیل دولت دریافتند که برای تثبیت این مذهب در تاروپود جامعه و نهادینه سازی آن نیاز به اقدامات گسترده فرهنگی و تمدنی دارند. این اقدامات را با بهره‌گیری از ظرفیت تأسیسات و نهادهای دینی و علمای شیعی میسر ساختند و تلاش گسترده‌ای جهت اقدامات فرهنگی و عمرانی در جهت سیاست شیعی‌سازی جامعه و تثبیت موقعیت این مذهب به کار بستند. صفویان با بنای مساجد به‌منزله پایگاهی دینی که متکفل ترویج مبانی اعتقادی و فقهی شیعه در جامعه است و بازسازی زیارتگاه‌ها و امامزاده‌های شیعی توانستند که هم در نهادینه سازی و گسترش شیعه در جامعه ایران اقدام کنند و هم در گسترش مساجد و بناهای مذهبی بکوشند. هدف این مقاله، بررسی نقش مسجد در نشر معارف شیعی در جامعه ایران عصر صفویه، به‌روش توصیفی-تحلیلی است. یافته پژوهش نشان داده که در دوره صفویه با گسترش سنت مسجدسازی و بازسازی و اصلاح مساجد پیشین، از این پایگاه دینی با کمک علمای شیعه در ترویج و نشر معارف شیعی در جامعه بهره‌گیری مطلوبی شده است.

تاریخ دریافت: ۱۳/۰۳/۱۴۰۲

تاریخ بازنگری: ۲۸/۰۹/۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۰۸/۱۰/۱۴۰۲

تاریخ انتشار: ۱۵/۱۰/۱۴۰۲

واژه‌های کلیدی:

شاهان صفوی،

علمای شیعه،

مسجد،

جامعه ایران،

معارف شیعی.

استناد: ثواقب، جهانبخش (۱۴۰۲) نقش مسجد در نشر معارف شیعی در جامعه عصر صفویه، پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، پاییز و زمستان ۱۴۰۲، دوره ۱۷، شماره ۳۳، ص ۲۴-۵۲.

DOI. 10.22111/JHR.2023.41783.3350

© نویسندگان. جهانبخش ثواقب،

ناشر: دانشگاه سیستان و بلوچستان





مقدمه

تشکیل دولت شیعی صفویه در ایران (۱۱۳۵-۹۰۷ق.)، یکی از وقایع مهم تاریخ اسلام و ایران به‌شمار آمده است. صفویان پس از استقرار، سیاست مذهبی خود را بر رسمیت‌بخشی و تقویت تشیع استوار کردند که هدف نهایی آن، تغییر مذهب از تسنن به تشیع و تثبیت آن در جامعه بود. این اقدام مهم، مستلزم رویکرد از سیاست نظامی‌گری به سیاست فرهنگی و به‌کار بستن اقدامات گسترده فرهنگی و عمرانی و تأسیسات‌سازی بود. صفویان نیاز به پایگاه‌ها و اماکنی داشتند که عقاید، تعالیم، شعائر و آیین‌های مذهب شیعه را در جامعه و میان مردم ترویج و گسترش دهند. بی‌گمان یکی از این پایگاه‌های مهم، مساجد و آرامگاه‌های مذهبی بود که از همان آغاز مورد توجه آنان قرار گرفت. این اماکن طبق سنت معمول اسلامی پیش از صفویه در ایران وجود داشتند و فعالیت دینی و آموزشی در آنها جریان داشت. صفویان هدف‌گذاری و جهت‌گیری این اماکن را به نفع اهداف مذهبی خود تغییر دادند. بنابراین اماکن مذهبی و مساجد همچنان مورد استفاده قرار گرفت؛ اما جنبه‌های تعمیر و اصلاح و احیاناً بازسازی و تجدید بنا در آنها صورت گرفت و بقاع متبرکه شیعی در شهرهای مشهد، قم، ری، عراق و دیگر امامزاده‌ها در سراسر ایران مورد رسیدگی، احیاء و بازسازی، مرمت و تزیین قرار گرفتند. طبیعی است فعالیت این اماکن دینی و عبادی و ترویج اندیشه شیعی در جامعه نیازمند عالمان آگاه شیعی و کتاب‌های مختلف فقهی، کلامی، حدیثی و مذهبی شیعی بود که در آغاز صفویه اندک بود و صفویان ناگزیر با دعوت از علمای مهاجر عرب‌زبان، که از مناطق جبل‌عامل لبنان، حله عراق و بحرین به ایران آمدند، در جهت رفع این کمبود کوشیدند و با کمک عالمان و فقیهان شیعه، متون مذهبی، ساماندهی دستگاه روحانیت شیعی و حمایت و تقویت آن، از توان فکری، فرهنگی و ایدئولوژیکی این دستگاه در ترویج مذهب شیعه در جامعه بهره گرفتند. سپس با تأسیس مساجد و مدارس و تقویت مراسم‌های مذهبی، آن را تثبیت کردند. هدف از این پژوهش، بررسی نقش مسجد به‌عنوان مؤسسه‌ای دینی در ترویج مذهب شیعه در جامعه ایرانی دوره صفویه است با طرح این پرسش که در فعالیت تبلیغی و ترویجی دولت صفویه در جریان شیعی‌سازی جامعه، مسجد چه نقشی داشته است؟ فرضیه پژوهش بر این نکته دلالت دارد که مسجد به‌ویژه در سده دهم هجری مقارن با شکل‌گیری حاکمیت صفویه، از کانون‌های مهم نشر اندیشه شیعی در جامعه بوده است. این پژوهش از نوع تاریخی است که گردآوری اطلاعات آن به‌روش کتابخانه‌ای و تبیین آن به‌شیوه توصیفی-تحلیلی انجام شده است.

پیشینه پژوهش

در بررسی پیشینه موضوع، در حد تتبع، پژوهشی با این مضمون انجام نشده است. بیشتر پژوهش‌ها درباره معماری مساجد دوره صفویه است. برای نمونه؛ اهری و حبیبی (۱۳۷۷) «معماری شهری مسجد در مکتب اصفهان» را بررسی کرده و مؤمنی و همکاران (۱۳۹۷) به «مقایسه طرح معماری مساجد صفویه اصفهان و مساجد دوره ایلخانی» پرداخته‌اند. مقاله دباغ و رهبر (۱۳۹۴) نیز با بررسی تطبیقی مسجد شهید مطهری تهران (دوره قاجاریه) و مسجد امام خمینی اصفهان (دوره صفویه)، به تبلور مفاهیم شیعی در شکل‌گیری این دو مسجد پرداخته و تأکید آن بر آفرینش‌های هنری است که هنرمندان از ماهیت تشیع گرفته‌اند. تنها اسماعیلی و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای به «بررسی کارکردهای مختلف مساجد در عصر صفویه» پرداخته‌اند که بر کارکردهای دینی، تربیتی و آموزشی مساجد تأکید کرده‌اند. بنابراین، با توجه به اهمیت جایگاه و نقش مساجد در تاریخ اسلام و در دوره صفویه به‌طور خاص و نقش آن در شیعی‌سازی جامعه و از آنجا که در این باره پژوهش مستقلی صورت نگرفته است، انجام یک پژوهش منسجم در این باره ضرورت می‌یابد و این مقاله می‌تواند تا حدودی این موضوع را تبیین کند.

نقش مسجد در تغییر مذهب در ایران

تغییر مذهب به‌صورت فراگیر از تسنن به تشیع در ایران، که از آغاز دولت صفویه رخ داد، از پایگاه مسجد به‌ویژه مسجدجامع اعلام شد. سپس در ترویج و نشر آن در پیکره جامعه و در ادامه نهادینه‌سازی آن، مساجد و منابر شهرهای کشور نقش عمده‌ای داشتند. مساجد به‌عنوان مکانی برای طرح، آموزش، ذکر و انتقال شعائر شیعی و برگزاری کلاس‌های درس و آموزش عقاید و تعالیم مذهبی شیعه از سوی روحانیان به مردم و یا طلاب اهمیت یافت. در دوره صفویه، یکی از راه‌های نشر اصول و معارف مذهب شیعه در جامعه، از طریق احداث مسجد به‌عنوان مراکز عبادی، تعلیمی و وعظ و بیان تعلیمات دینی بود. شاه اسماعیل اول با این که در گیرودار تکاپوهای نظامی برای تصرف کشور و تأسیس سلطنت بود، اما به اهمیت مساجد به‌عنوان محل اجتماع و ازدحام مردم چه برای اعلام وقایع مهم، برگزاری نماز به‌ویژه نماز جمعه با طیف گسترده‌تری از مردم و نیز محل بروز شورش و اعتراض مردم آگاه بود. از این رو برخی از اقدامات مهم خود را در مساجد جامع شهرها ترتیب می‌داد. او در همان بدو ورود به تبریز، در روز جمعه به جانب مسجد جمعه (جامع) تبریز رفت و دستور داد تا خطیب آن‌جا که یکی از اکابر شیعه بود، بر سر منبر رفت. شاه با شمشیری در دست کنار منبر ایستاد تا خطبه اثنی‌عشری در مسجد جامع خوانده شد و نام ائمه شیعه در خطبه

ذکر گردید. حضور شاه اسماعیل برای اعلام مذهب شیعه و برائت از سنت پیشین برای آن بود که احتمال شورش مردم در مسجد می‌رفت و او تمهیدات لازم را برای جلوگیری از آن با کمک نظامیان و ملازمان خود اندیشید و برای تقویت روحیه آنان که نگران از اعتراض سنیان شهر بودند، خود با شمشیر در کنار خطیب ایستاد. پس از این مراسم، دستور داد که تمامی خطبای ممالک، خطبه ائمه اثنی عشر بخوانند (خواندمیر، ۱۳۵۳: ۴۶۷/۴-۴۶۸؛ جهانگشای خاقان، ۱۳۶۴: ۱۴۷-۱۴۹؛ امینی هروی، ۱۳۸۳: ۱۷۴-۱۷۵؛ واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۱۲۲؛ الحسینی، ۱۳۷۹: ۱۷). همچنین حکم کرد که در مساجد و معابد، محراب اهل سنت را تغییر دهند و مؤذنان کلمه «اشهد ان علیاً ولی الله» و «حی علی خیر العمل» را در اذان پس از شهادتین تکرار کنند. نیز فرمان داد که از آن پس هر کس خلاف مذهب امامیه نماز گذارد، مأموران او را مجازات کنند (خواندامیر، ۱۳۷۰: ۶۵-۶۶).

از سوی شاه اسماعیل فرمان صادر شد در بازارها، گذرراه‌ها، مساجد و بر منابر زبان به طعن و لعن دشمنان اهل بیت به‌ویژه خلفای سه‌گانه صدر اسلام (ابوبکر، عمر و عثمان) و خلفای اموی و عباسی، که پس از پیامبر به جور و ظلم و خلاف رضای حق و رسول خلافت کرده بودند، بگشایند و از آنان برائت جویند. آنان که می‌شنوند نیز به بانگ بلند «بیش باد و کم مباد» بگویند و هر کس از گفتن تبراً خودداری کند توسط تبرداران و قورچیان به قتل برسد (روملو، ۱۳۸۴: ۹۷۷/۲؛ منشی قزوینی، ۱۳۷۸: ۱۱۹؛ جهانگشای خاقان، ۱۳۶۴: ۱۴۹؛ واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۱۲۲؛ قمی، ۱۳۸۳: ۶۴/۱، ۷۳). با این فرمان، تبرائیان در کوچه و بازار و به آواز بلند زبان به طعن و لعن مخالفان دین گشودند و از غلبه و تسلط سنیان هیچ اندیشه نمی‌کردند (الحسینی، ۱۳۷۹: ۱۷؛ شاملو، ۱۳۷۱: ۳۶/۱). با سخت‌گیری صوفیان و تبرائیان و نظامیان صفوی بر سنیان که سال‌ها در آرزوی چنین روزی بودند، مدارس و مساجد اهل سنت از رونق افتاد و تعلیمات آنها کاستی گرفت (واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۱۲۲). در همه گزارش‌های مورخان عصر صفوی تصریح شده که با اقدام مذهبی شاه اسماعیل، روز به روز مذهب ائمه اثنی عشر به اطراف و اکناف گسترش یافت و مذهب تسنن در نقصان و تنزل می‌رفت. شیعیان که تا آن زمان در تقیه به سر می‌بردند، آشکارا شعار مذهب حق امامیه را سر می‌دادند و مخالفین در گوشه اختفا خزیدند (الحسینی، ۱۳۷۹: ۱۷؛ روملو، ۱۳۸۴: ۹۷۷/۲؛ منشی، ۱۳۷۷: ۴۷/۱؛ قمی، ۱۳۸۳: ۷۳/۱).

شاه اسماعیل پس از فتح شهرها معمولاً قرائت فتح‌نامه‌ها را برای مردم و یا دستورات مهم به‌ویژه اعلام شعائر شیعی و جاری شدن مذهب شیعه در شهرها را در مساجد از جمله مساجد جامع بیان می‌کرد و حوادث مهمی در روزگار او در مساجد شهرها رخ داده است. در سال ۹۱۶ ق. خبر

پیروزی شاه اسماعیل بر اوزبکان، به وسیله قلی‌جان بیگ به هرات برده شد. پس از ورود شاه اسماعیل به هرات، مردم شهر در مسجد جامع ملکان جمع شده بودند. فتح‌نامه شاه اسماعیل بر آن‌ها خوانده شد. حافظ زین‌الدین زیارتگاهی مأمور خواندن فتح‌نامه بود. چون در فتح‌نامه لعن صحابه آمده بود، او آن قسمت را جا گذاشت. قلی‌جان بیگ از این کار برآشفت، او را از منبر پایان کشید و کشت. جسدش را مداحان و تبرائیان در چهارسوق هرات به آتش کشیدند (امینی هروی، ۱۳۸۳: ۳۴۹؛ واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۱۹۷-۱۹۸؛ جنابدی، ۱۳۷۸: ۲۴۴؛ *عالم‌آرای شاه اسماعیل*، ۱۳۸۴: ۳۹۷-۴۰۰؛ دوغلات، ۱۳۸۳: ۳۶۶). در روز جمعه نیز میرجمال‌الدین عطاءالله پیشنماز بر منبر آمده خطبه نماز جمعه را به ذکر مناقب و مفاخر ائمه اثنی‌عشر علیهم‌السلام و اسم و القاب شاه اسماعیل خواند. پیش از آن خواجه سیف‌الدین بتکچی به هرات آمد و فرمان شاه اسماعیل را که در باب نوازش رعایا و تقویت احکام و اوامر شریعت و مذهب صادر شده بود به بزرگان و اشراف شهر رسانید و پیش از نماز هم خطیب بلندآواز بر منبر رفت و آن منشور را به آگاهی مردم رساند (امینی هروی، ۱۳۸۳: ۳۵۰-۳۵۲؛ واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۱۹۹؛ جنابدی، ۱۳۷۸: ۲۴۴-۲۴۵).

شاه اسماعیل پس از فتح خراسان، در رواج و رونق مذهب شیعه اثنی‌عشری تلاش زیادی به کار بست. در همه مناطق خراسان، در مساجد و بر منابر، خطبا خطبه به نام دوازده امام خواندند. زبان طعن و لعن به خلفای ثلاثه برگشادند و سیف‌الدین احمد تفتازانی شیخ‌الاسلام هرات که پیشوا و مقتدای اهل سنت بود، چون در مجلس شاهی زبان به طعن و لعن مخالفان دین نگشود، او را کشتند تا عبرت دیگران شود. سپس سادات و علمایی که به تشیع معروف و مشهور بودند از مراحم شاهانه برخوردار شدند (الحسینی، ۱۳۷۹: ۵۵؛ جنابدی، ۱۳۷۸: ۲۴۶؛ شاملو، ۱۳۷۱: ۴۲-۴۳؛ امینی هروی، ۱۳۸۳: ۳۴۷-۳۵۶). بدین ترتیب، شعار شیعه شدن حکومت و آگاهی‌رسانی به مردم برای تغییر وضعیت مذهبی در کشور از طریق رسانه عمومی آن زمان، مساجد جامع، صورت می‌گرفت و ترویج و نشر این مذهب بر فراز منابر دیگر مساجد از سوی عالمان شیعی تداوم یافت.

شاه اسماعیل در سیاست شیعه‌گستری خود، برخی رفتارهای خشن نسبت به قبور بعضی از بزرگان سنی و یا شخصیت‌های مخالف نیز داشت (ر.ک. روملو، ۱۳۸۴: ۹۶۰/۲؛ قمی، ۱۳۸۳: ۶۷/۱؛ زرنو، ۱۳۸۱: ۲۶۷-۲۶۸؛ آنجولو، ۱۳۸۱: ۳۳۰؛ بازرگان ونیزی، ۱۳۸۱: ۴۳۶) و نسبت به بقاع علمای سنی بی‌حرمتی روا می‌داشت، مانند نیش قبر ابوحنیفه نعمان بن ثابت کوفی (۱۵۰-۸۰ق.) و سوزاندن استخوان‌های او و نابود کردن گنبد آن (*عالم‌آرای شاه اسماعیل*، ۱۳۸۴: ۱۶۹؛ الحسینی، ۱۳۷۹: ۳۶-۳۷) و مواردی دیگر. او برخی زیارتگاه‌های صوفیه را تخریب کرد، نسبت به مقابر

نقشبندی بی‌حرمتی می‌کرد و به سرکوب فرقه‌های خلوتیه، ذهبیه و نوربخشیه اقدام کرد (لاپیدوس، ۱۳۷۶: ۳۹۸). این اقدامات در جهت کاهش توجه مردم به معابد و بقاع اهل تسنن و زیارت‌گاه‌های صوفیان سنی و روآوری به مراکز دینی شیعی صورت می‌گرفت. یکی از نصایح سلطان بایزید عثمانی در نامه به شاه اسماعیل همین است که نگذارد قیور، مساجد، تکایا، زوایا و سایر آثار سلاطین، امرا و علمای گذشته را بعضی از نادانان صوفیه به اغوای مغرضان خراب کنند (اسپناچی پاشازاده، ۱۳۷۹: ۵۲).

کار این دشمنی، به نحوه برخورد با مساجد نیز کشیده شد. در ستیزه صوفیان شیعی و عثمانیان سنی، آنها گاه مساجد یکدیگر را خراب می‌کردند و به‌جای آن مساجد دیگری با ویژگی معماری خود می‌ساختند (جملی کارری، ۱۳۸۳: ۴۷؛ کاتف، ۲۵۳۶: ۴۶) و یا محراب و شعارهای مساجد را موافق عقیده خود تغییر می‌دادند. ایرانی‌ها به‌سبب کینه و نفرت از عثمانی‌ها، در حفظ و مراقبت از مساجدی که از بناهای عثمانی (سنی‌ها) در شهرها مانند شماخی و تبریز بود نمی‌کوشیدند و آن را شوم می‌دانستند و مانند معبد کفار در آن نظر می‌کردند (شاردن، ۱۳۷۴: ۲ / ۴۷۹؛ تاورنیه، ۱۳۶۹: ۶۷-۷۰).

با این‌که در اوایل صفویه، شاه اسماعیل بیشتر سرگرم تکاپوهای نظامی بود و در کارهای عمرانی از جمله ساخت مسجد کم‌تر توفیق یافت؛ اما همان مساجد پیشین با تعمیرات و اصلاحاتی در امر عبادت و آموزش و ترویج عقاید و معارف شیعی به‌کار گرفته شدند و تلاش‌هایی نیز برای ساخت مساجد جدید و رسیدگی به عمران و آبادی بقاع متبرکه شیعی به‌کار بسته شد. شاه اسماعیل با سفر به شهرهایی که اماکن مذهبی شیعی در آنها قرار داشت، به احیاء و تعمیر این اماکن می‌پرداخت و این بقاع را به‌صورت پایگاهی برای توجه و حضور مردم درمی‌آورد که خود در شیعی‌سازی جامعه نقش مهمی داشت. برای نمونه؛ سفر به قم و رسیدگی به امور شیعیان آن شهر (قمی، ۱۳۸۳: ۱ / ۷۹-۸۰)، بازسازی حرم حضرت معصومه (س)، صدور فرمان بخشودگی مال و خراج موقوفات آن آستانه و مسجد امام حسن عسکری (ع) (مدرسی طباطبایی، ۱۳۳۵: ۱ / ۲۱۶-۲۱۷)، صدور فرمانی برای حفظ موقوفات آن آستانه و مسجد (متن سند در: بوسه، ۱۳۶۷: ۲۵۳-۲۵۵)، رسیدگی، عمران و آبادی مشاهد مقدسه ائمه شیعی در نجف، کربلا، کاظمین و سامرا در سال ۹۱۴ ق. پس از ورود به عراق و فتح بغداد و و اهدای لوازم ضروری از قندیل، پرده، فرش و غیره که به تفصیل در گزارش‌های تاریخی آمده است (خواندمیر، ۱۳۵۳: ۴ / ۴۹۴-۴۹۵؛ امینی هروی، ۱۳۸۳: ۳۰۴-۳۰۵؛ واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۱۷۱-۱۷۲؛ جهانگشای خاقان، ۱۳۶۴: ۲۸۴-۲۸۸)، توجه به بارگاه امام رضا

و چند نوبت برگزاری زیارت و طواف و دعا در آن آستانه مقدسه، اهتمام به عمران و آبادی آن و رسیدگی به سادات و خدام و مجاوران حرم (خواندمیر، ۱۳۵۳: ۴/ ۵۰۷-۵۰۸؛ امینی هروی، ۱۳۸۳: ۳۳۳؛ عالم‌آرای شاه اسماعیل، ۱۳۸۴: ۳۴۶-۳۴۹). در شهر اصفهان نیز شاه اسماعیل برخی از مساجد و امامزادگان را تعمیر و احیاء کرد. از آن جمله تعمیراتی در مسجد جامع عتیق اصفهان صورت داد. ساخت مسجد سنجرى که ویران گشت، مزار هارون ولایت یا هارونیه از زیارتگاه‌های معروف که در سال ۹۱۸ق. به شکل جدید بنا شد (بلانت، ۱۳۸۴: ۵۲؛ رفیعی مهرآبادی، ۱۳۵۲: ۵۰۸-۵۰۹؛ هنرفر، ۱۳۵۰: ۲۶۰-۲۶۱). در کنار هارونیه، بنای مسجد علی، یکی از مساجد کهن اصفهان نیز، در همین زمان مورد تعمیر قرار گرفت (هنرفر، ۱۳۵۰: ۲۶۰-۲۶۱؛ بلانت، ۱۳۸۴: ۵۲). در سلطنت شاه طهماسب اول (۹۳۰-۹۸۴ق.) که زمان بیشتری برای کارهای عمرانی و فرهنگی داشت، افزون بر مساجد پیش از صفویه، با هدف گسترش مذهب شیعه در جامعه و بهره‌گیری از ظرفیت علما و فقها و سادات، مساجد بسیاری ساخته شد و یا تعمیرات و الحاقاتی در مساجد پیشین شامل ساخت رواق، مدخل، تزئینات و غیره، به عمل آمد. او با ساختن مساجد در شهرها به ویژه در پایتخت‌های صفویه یعنی تبریز و قزوین، از این مرکز دینی برای ترویج تشیع در جامعه استفاده کرد؛ زیرا پایگاهی برای حضور عالمان شیعی و دایر کردن جلسات درس و بحث و نشر معارف شیعی بودند. عالمان بزرگی در این مساجد به ادای فریضه نماز، بیان معارف مذهبی و حقایق شیعی، وعظ و اندرز و حتی تعلیم و تربیت می‌پرداختند (ثواقب و مروتی، ۱۳۹۵: ۳۹). به گزارش مورخان، شاه طهماسب در اعتقاد و محبت نسبت به اهل بیت و تبعیت از آنان، ترویج دین و مذهب، تکریم علما و فضایی شیعه اهتمام جدی داشت. او در رواج و رونق آستانه‌های ائمه شیعی، مدارس، بقاع‌الخیر، مساجد و رسیدگی، تعمیر و احداث بنای آنها و اهدای اموال و هدایا به آستانه‌های مبارکه و پرداخت هزینه خدام آنها، توجه کامل داشت (افوشته‌ای نطنزی، ۱۳۷۳: ۱۴-۱۵؛ منشی، ۱۳۷۷: ۲۰/۱).

پس از این که عثمانی‌ها از دوره محمد خدابنده (۹۹۵-۹۸۴ق.) تبریز را اشغال کردند و در مساجد به رسم تسنن به فعالیت‌های مذهبی می‌پرداختند و شیعیان در سختی قرار داشتند، شاه عباس اول (۹۹۵-۱۰۳۸ق.) در سال ۱۰۱۲ق. پس از تصرف تبریز، دستور داد مرشد احمد شیخ‌الاسلام اردبیل فرزند مرشد حسین مجتهد خطیب شهر تبریز در مسجد جهان‌شاه و در مناظر و مساجد خطبه اثنی‌عشری بخواند و مدتی پیش‌نمازی برعهده او بود (منجم یزدی، ۱۳۶۶: ۲۵۰). در نتیجه، محبان اهل بیت و دوستداران خاندان صفویه که چندین سال (دوران اشغال تبریز) به تقیه زندگی می‌کردند،

آشکارا شعار محبت ولای اهل بیت ظاهر ساختند (منشی، ۱۳۷۷: ۱۰۳۲/۲). او پس از شکست نورمحمدخان اوزبک و تصرف مرو در سال ۱۰۰۷ق. در روز جمعه به مسجد جامع مرو رفت و خطبه ائمه اثنی عشر به نام او خوانده شد. این شعار پس از مرگ شاه اسماعیل اول به مدت هشتاد سال در آن دیار از رونق افتاده بود که به همت شاه عباس بار دیگر بر فراز منابر شایع شد (همان: ۹۷۴). پس از فتح بغداد در سال ۱۰۳۲ق. نیز میرجمال الدین کاشی پیش نماز مسجد جامع عباسی که همراه شاه بود و در همین سفر در کربلا درگذشت، در مسجد مرقد کاظمین و مسجد جامع بغداد و نجف اشرف خطبه اثنی عشر به نام شاه عباس خواند (همان: ۱۶۷۶) و فراز منابر که چندین سال از ذکر شعارهای شیعی خالی شده بود، به ذکر مناقب و مفاخر ائمه اثنی عشر زینت یافت (همان: ۱۶۶۷). شاه عباس برای ترویج شیعه مساجد بسیاری در شهرهای مختلف بنا کرد و در اصفهان نیز او و دیگر بزرگان مساجد معتبری ساختند و عالمان برجسته‌ای در این مساجد به نشر مبانی اعتقادی شیعه مشغول بودند. برای نمونه، شاه عباس در سال ۱۰۲۰ق. در ضلع جنوبی میدان نقش جهان، مسجد جامع عباسی (مشهور به مسجد سلطانی و مسجد شاه) را ساخت (همان: ۱۳۷۰). او روبه‌روی کاخ عالی‌قاپو نیز مسجدی بنا کرد و از شیخ لطف‌الله میسی عاملی (م ۱۰۳۵ق.) خواست تا در آنجا اقامه نماز کند. شیخ، پیش‌نماز و مدرس و متولی و متصدی موقوفات مسجد گردید. در کنار آن نیز مدرسه‌ای بود که او به‌عنوان مدرس آن تعیین شد (همان: ۲۴۹/۱-۲۵۰، ۱۳۷۰/۲؛ واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۴۳۹؛ افندی، ۱۳۸۹: ۵۱۵/۴، ۵۲۰). شیخ از پایگاه مسجد و مدرسه فعالیت‌های شیعی خود را انجام می‌داد.

روند مسجدسازی در طول دوره صفویه گسترش و تداوم یافت و مساجد بسیاری بنا شد که نام بردن از آن‌ها به تطویل مقاله می‌انجامد. برای فهرست این مساجد می‌توان به برخی گزارش‌های تاریخی و پژوهش‌ها مراجعه کرد. اشاره به برخی آمارهای جهانگردان در این باره کفایت می‌کند. در آماری که شاردن، در سده یازدهم هجری، به‌دست داده در اصفهان ۱۶۲ مسجد در داخل شهر (شاردن، ۱۳۷۴: ۱۵۸۴/۴) و ۲۸ مسجد در خارج شهر (حومه) وجود داشته (همان: ۱۵۴۷-۱۵۸۲) که در مجموع به ۱۹۰ مسجد می‌رسید. کمپفر نیز در سال ۱۰۹۷ق. بیش از ۱۰۰ مسجد و مدرسه را برشمرده است (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۹۱). در این زمان در قزوین، ۵۰ مسجد وجود داشته که مردم برای عبادت به آن‌جا می‌رفتند (اولتاریوس، ۱۳۶۹: ۵۱۶؛ اشترویس، ۱۳۹۶: ۱۸۲). در برخی گزارش‌ها از بسیاری مساجد در ایران سخن رفته است و این‌که تقریباً در هر کوچه‌ای یک مسجد یا مدرسه

وجود داشت (اولثاریوس، ۱۳۶۹: ۶۷۵/۲؛ دریابل، ۱۳۵۱: ۵۷). خروجی فعالیت‌های این مساجد و مدارس در جهت گسترش اقدامات شیعی‌سازی جامعه از سوی صفویان بوده است.

بهره‌گیری صدور صفوی از مساجد در شیعی‌سازی جامعه

در دوره صفویه، مدیریت و رسیدگی به مساجد در حوزه وظایف صدر از صاحب‌منصبان مذهبی قرار داشت. او سرپرستی مساجد و روحانیان را داشت و کارهای مذهبی کشور را اداره می‌کرد (جملی کارری، ۱۳۸۳: ۱۵۳). تعیین حقوق متولیان، کارکنان، خدام، مدرسین، طلاب، واعظ و روحانیون از هر درجه و مرتبه و نصب روحانیون عالی‌مقام شیعه در مساجد و مدارس برعهده صدر بود (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۲۱-۱۲۲؛ شاردن، ۱۳۷۴: ۱۳۳۶/۴، ۱۳۴۲، ۱۳۴۴؛ تاورنیه، ۱۳۶۹: ۵۸۸).. طیف وسیعی از نیروهای مذهبی توسط صدر در مناصب خود تعیین می‌شدند و اداره آن‌ها به دست او بود، از جمله تعیین مباشرین اوقاف، ریش‌سفیدی جمیع سادات و علما، مدرسان، شیخ‌الاسلامان، پیش‌نمازان، متولیان، حفاظ و سایر خدمه مزارات و مدارس و مساجد و بقاع‌الخیر (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۳۹-۱۴۳؛ تاورنیه، ۱۳۶۹: ۵۹۰). ایجاد منصب صدارت توسط شاه اسماعیل اول گامی در جهت رسیدگی و سامان بخشیدن به امور مذهبی و سیاست مذهبی دولت بود. این منصب به‌منظور برقراری وحدت و انسجام مذهبی و فکری در میان مردم به‌عنوان محور وحدت سیاسی و تحکیم و انسجام حکومت، در شرایط کمبود و فقدان کتب و عالمان شیعی، نقش مهمی ایفا می‌کرد. او مأمور ارشاد و تبلیغ مذهب و برقراری همگونی فکری در جامعه بود. یکی از پایگاه‌هایی که این هدف را برای صدر برآورده می‌کرد، مسجد بود که در همه شهرها تعداد زیادی از آن وجود داشت. صدر با تعیین پیش‌نماز، واعظ و خطیب برای مساجد و فعال کردن این مساجد در امر آموزش و نشر معارف شیعی با بهره‌گیری از توان علمی عالمان شیعی، در فرآیند تغییر مذهبی جامعه از تسنن به تشیع نقش مؤثری ایفا کرد.

به‌لحاظ اهمیت مسجد در امر ترویج مذهب، سبزواری بر پادشاه گسترش و رونق مساجد و معابد و مواضع دعا را لازم دانسته و شاه را متعهد کرده که به صدور و اهالی شرع که با مساجد ارتباط دارند تأکید کند که مساجد را پررونق دارند (سبزواری، ۱۳۸۳: ۶۰۱). او وظیفه صدور، محتسبان و اهالی شرع دانسته که در اوقات دعا، مردم را بر اجتماع در مساجد و مواضع دعا و اشتغال به دعا جهت پادشاه و حامی ملک و ملت تحریض کنند و در ساعتی که در روز جمعه کسب و کار ممنوع است، امر به تعطیلی بازارها و اجتماع در مساجد و حضور در نماز جمعه بنمایند؛ تا شعار دین و مراسم شرع از رونق و تازگی برخوردار شده و به‌تدریج مراسم و لوازم شرع و مذهب فراموش نشود

و در نظرها سهل و سبک جلوه نکند. او معتقد است اگر پادشاه شخصاً در این باب به صدور و اهالی شرع تأکیدی کند و احکام لازم‌الاجرا به سراسر کشور ارسال کند، ثمرات بسیار در دنیا و آخرت بر آن مترتب خواهد شد (همان: ۶۰۳).

صدور دوره صفویه در شیعی‌سازی جامعه به‌ویژه با بهره‌گیری از تأسیسات دینی و آموزشی نظیر مساجد، بقاع متبرکه و مدارس و به‌کارگیری عالمان شیعی در این مراکز نقش مهمی داشتند و منابع تاریخی به این اهتمام اشاره کرده‌اند. برای نمونه در سلطنت شاه اسماعیل ابتدا امیر سید شریف شیرازی (م ۹۲۰ ق.) منصب صدارت داشت و در گسترش «معالم مذهب حق جعفری» تلاش وافر داشت تا به تدریج در اثر اهتمام او، «دین مبین و مذهب تشیع رواج و رونق تمام یافت» (واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۳۱۵). او «در اهانت جمعی که سالک طریق ضلال بودند کوشش بسیار کرد، چنانچه حقوق خدمت او در انتشار مذهب و ملت بر صفحات زمان ثابت است و مساعی جمیله او در ترویج شرع اقدس به افواه و السنه مذکور» (روملو، ۱۳۸۴: ۱۰۹۲/۲). در اواخر سلطنت شاه اسماعیل، امیر جمال‌الدین محمد استرآبادی (م ۹۳۱ ق.) منصب صدارت داشت. درباره‌اش گفته شده پس از خواجه نصیرالدین طوسی، هیچ کس در اعلام مذهب حقه جعفری و ملت ائمه اثنی‌عشری بیش از او تلاش نکرد. او در بازداشتن و مجازات فاسقان و فاجران، نابودی قوانین بدعت‌گزاران، در مبارزه با فجور و منکرات و شراب و مسکرات، اجرای حدود و تعزیرات، اقامه فرایض و واجبات و اوقات جمعه و جماعات و احکام روزه و نماز، نظارت بر امامان جماعت و مؤذنان، دفع شرور مفسدان و موذیان، سخت‌گیری بر مرتکبان فجور، در حد توان کوشش کرد و عامه مردم را به تعلیم شرایع احکام اسلام ترغیب و تکلیف نمود (همان: ۱۱۴۵).

با ایجاد منصب شیخ‌الاسلامی، شیخ‌الاسلامان نیز از ظرفیت مساجد در جهت ترویج شیعه در جامعه بهره می‌گرفتند. برای نمونه، شیخ علی‌بن عبدالعالی معروف به محقق کرکی (م ۹۴۰ ق.) شیخ‌الاسلام زمان شاه طهماسب، برای مساجد قری و قصبات پیش‌نماز تعیین می‌کرد که با مردم نماز بخوانند و شرایع دین را به آنان تعلیم دهند. او قبله بسیاری از شهرهای ایران را تغییر داد و رساله‌هایی در جمعه، جنایز و قبله، سجود بر تربت و احکام سلام نوشت (قمی، ۱۳۸۵: ۵۰۲/۱، ۵۰۳؛ خوانساری، ۱۳۹۰: ۱۹۹/۴). به دلیل اقدامات شیعه‌گستری شیخ، او را مروج مذهب و دین و احیاء کننده مراسم مذهب ذکر کرده‌اند. به جهت جدیت در ترویج مذهب امامیه و اظهار برائت از تیم و عدی و بنی‌امیه، بعضی از مخالفان از اهل سنت او را مخترع مذهب شیعه لقب دادند (قمی،

۱۳۸۵: ۵۰۱/۱، ۵۰۳). کرکی در زمان شاه اسماعیل اول چندین رساله به هدف همراهی با سیاست‌های مذهبی صفویه نوشت و شادمانی خود را از برآمدن این سلسله ابراز کرد. رساله *نفحات الالهوت فی لعن الجبت والطاغوت* (حسینی خاتون آبادی، ۱۳۵۲: ۴۴۸)، رساله *تعیین مخالفین امیرالمؤمنین* (کرکی، بی تا: ۲۲۵/۲) و رساله *جامع المقاصد* (کرکی، ۱۴۱۰: ۹۷/۱). او تشیع فقهاتی را بر عقاید صوفیانه و غلوآمیز قزلباشی در دولت صفویه برتری بخشید.

صوفیان با پایگاه‌سازی فرقه‌های دگراندیش در مساجد نیز مقابله می‌کردند و اگر به شریعت شیعی هدایت نمی‌شدند به سرکوب آنها اقدام می‌کردند. نمونه آن درویش خسرو قزوینی از فرقه نقطوی است که در زمان شاه طهماسب علما او را به خاطر عقایدش از مسجد نشستن منع کردند. شاه او را خواست و علما شرایع اسلام و قواعد مذهب امامیه را بر او القا کردند. چون منکر اتهامات شد و خلاف شرعی از او مشاهده نشد، شاه متعرض او نشد؛ اما دستور داد که در مسجد مستقر نشود و عوام را به خود راه ندهد. او به‌ظاهر به خدمت علما رفت و آمد می‌کرد و فقه می‌آموخت و روزهای جمعه به مسجد جامع قزوین می‌رفت. پس از مرگ شاه طهماسب از فرصت استفاده کرد و مسجد جنب خانه‌اش را مسکن خویش ساخت و جمعی از ترک و تاجیک گرد او فراهم آمدند و چندین سال تا زمان شاه عباس اول در آن مسجد روزگار گذرانید. چون مسجد گنجایش پیروان او را نداشت، تکیه‌ای را نیز بنیاد گذاشت و کارش بالا گرفت، تا این‌که شاه عباس در سال ۱۰۰۲ ق. به دستگیری و پراکنده ساختن آنها اقدام کرد (منشی، ۱۳۷۷: ۷۴۵/۲-۷۴۶).

برگزاری مراسم عبادی به سنت شیعی در مسجد

برگزاری مراسم نمازهای یومیه، نماز جمعه و مراسم نیایش و ذکر در ایام مذهبی و اعیاد به سنت شیعی در مسجد انجام می‌شد و از وظایف اصلی مساجد همین مراسم عبادی بوده است. گزارش‌های مورخان و نیز سیاحان حکایت دارد که مردان صبح، ظهر و شب برای عبادت و برگزاری نماز به مسجد می‌رفته‌اند (اشترویس، ۱۳۹۶: ۱۳۳؛ اولناریوس، ۱۳۶۹: ۷۶۰/۲؛ دریابل، ۱۳۵۱: ۵۸). در مساجد هم در شبستان‌های زمستانه و هم زیر ایوان‌های اطراف حیاط، نماز می‌خوانده‌اند (سانسون، ۱۳۴۶: ۶۹؛ شاردن، ۱۳۷۴: ۱۴۳۴/۴، ۱۴۳۵، ۱۵۱۳؛ کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۳۱؛ فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۱۱۹-۱۲۰؛ اشترویس، ۱۳۹۶: ۲۰۴). گزارش‌هایی نیز از برگزاری نماز جمعه در مساجد جامع شهرها وجود دارد و عالمانی به امامت جمعه شهرها تعیین شده‌اند. شیخ حسین بن عبدالصمد جبل عاملی (م ۹۸۴ ق.)، پدر شیخ بهایی (م ۱۰۳۱ ق.)، از عالمان بزرگی بود که در سلطنت شاه طهماسب در برگزاری نماز جمعه اهتمام زیادی داشت و گزاردن آن را در جامعه عصر صفوی شایع گردانید،

پس از آن که مدتی اقامه نماز جمعه «بنابر اختلاف علما در شرایط وجوب و وقوع آن در میان مسلمانان متروک و مهجور بود» (واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۴۳۳؛ منشی، ۱۳۷۷: ۲۴۷/۱). او در رساله‌ای بر ضرورت انجام نماز جمعه به دلیل شیعی بودن حکومت و فراهم بودن زمینه اقامه آن و همچنین برای دفع انتقادهای اهل سنت عثمانی از عدم اقامه نماز جمعه در میان شیعیان، تأکید کرده است (عاملی، بی تا: ۳۱-۳۴). از توجه میرجمال‌الدین محمد استرآبادی از عالمان دوره شاه اسماعیل به نماز جمعه نیز یاد شده است (روملو، ۱۳۸۴: ۱۱۴۵/۲). محقق کرکی نیز در این دوره به برپایی نماز جمعه در غیبت امام زمان و به دست فقیه جامع‌الشرایط فتوی معتقد بود که مخالفینی داشت. او رساله جعفریه را در باب نماز و احکام آن نوشت (قمی، ۱۳۸۳: ۲۳۷/۱) و در آن نخستین بار به موضوع نماز جمعه و وجوب تخییری آن اشاره کرده است (کرکی، بی تا: ۱۴۸/۱). در دوره شاه طهماسب، محقق کرکی نماز جمعه برپا می‌کرد. با حمایت شاه طهماسب در شهرهای بزرگ هم برگزار می‌شد. در دوران صفوی امامت جمعه یکی از وظایف شیخ‌الاسلام بود و دوره‌های بعدی منصبی مستقل می‌شود (آقاجری، ۱۳۸۹: ۶۰۲-۶۰۳؛ جعفریان، ۱۳۷۹: ۲۳۷/۱).

از نگاه ملامحمدتقی مجلسی (م ۱۰۷۰ ق)، دلیل برگزار نشدن نماز جمعه در میان شیعیان آن بود که حکومت‌های پیشین سنی و جور بودند و شیعیان چون خوف داشتند تقیه می‌کردند تا این که پادشاهان صفویه که به ترویج مذهب شیعه همت گماشتند، شیعیان نماز جمعه را آشکارا به‌جا آوردند و اول کسی که به‌جا آورد شیخ نورالدین علی بن عبدالعال بود که وقتی در مسجد جامع عتیق اصفهان نماز جمعه به‌جا آورد، تمام مسجد پر شد که دیگر جا نماند (مجلسی، بی تا: ۵۱۳/۴-۵۱۴). حسن بیگ روملو با دید موافق با شاه اسماعیل دوم (۹۸۴-۹۸۵ ق.) درباره او نوشته است که در اقامه نماز جمعه و جماعات و اجرای احکام روزه و نماز و امر به معروف و نهی از منکر و رفع بدعت‌ها و مناهی و زجر و دفع ملاحی بسیار کوشید، زیرا پایداری امور مملکت بدون استحکام قواعد شریعت میسر نمی‌شود (روملو، ۱۳۸۴: ۱۵۱۸/۳).

در دوره شاه عباس اول، ساخت مسجد جامع عباسی به منظور اقامه جمعه و جماعت در آن بوده و امام جمعه و جماعت این مسجد رسماً از طرف شاه تعیین می‌شد (جعفریان، ۱۳۷۹: ۲۶۷/۱). در این دوره شیخ بهایی و میرمحمدباقر استرآبادی (میرداماد) (م ۱۰۴۰ ق.) نماز جمعه اقامه می‌کردند (مجلسی، بی تا: ۵۱۴/۴؛ خوانساری، ۱۳۹۰: ۱۲۲/۲). درباره میرداماد آمده است که در اواخر عمر در اصفهان به احیای جمعه و جماعات و انواع طاعات و عبادات مشغول بود (واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۴۱۹). پس از آن دو، که مدتی برگزاری نماز جمعه نامنظم بود، گاه محقق سبزواری و برخی اوقات

شیخ لطف‌الله عاملی اصفهانی آن را اقامه می‌کردند، سپس ملا محمدتقی مجلسی منصب امامت جمعه را در دو مسجد بزرگ عهده‌دار شد و پس از او فرزندش ملا محمدباقر مجلسی (م ۱۱۱۰ ق.) عهده‌دار آن گردید (خوانساری، ۱۳۹۰: ۱۲۲/۲). البته کسانی هم مخالف برگزاری نماز جمعه بودند. برای نمونه، ملاخلیل قزوینی (م ۱۰۸۹ ق.) از شاگردان شیخ بهایی که مسلک اخباری داشت، طریقه اجتهاد را شدیداً انکار می‌کرد و نماز جمعه را در زمان غیبت حرام می‌دانست (مدرس تبریزی، ۱۳۴۶: ۴۵۱/۶). در گزارش سفرنامه‌ای مربوط به دوره شاه صفی (۱۰۳۸-۱۰۵۲ ق.) آمده که در اردبیل مردم در مسجد جامع که مهم‌ترین مسجد شهر بود، نماز جمعه برگزار می‌کردند (اولتاریوس، ۱۳۶۹: ۴۹۴/۲). در قزوین نیز مردم نماز روزهای جمعه را در مسجد جامع، مهم‌ترین مسجد شهر، می‌خواندند (همان: ۵۱۶). شاه عباس دوم (۱۰۷۷-۱۰۵۲ ق.) در سال ۱۰۷۱ ق. در یکی از جمعه‌ها «از راه تقویت دین مبین و توجه خاطر والا به اعلائی طاعات و عبادات» به مسجد جامع جدید عباسی می‌رود و در نماز جمعه به ملا محمدحسن فیض کاشانی (م ۱۰۹۱ ق.) اقتدا می‌کند. در آن جا چون به او اطلاع دادند که یکی دوتا از طاق‌های مسجد درهم شکسته و بنیان مسجد قدیم نیز همانند این طاق‌ها شده، شاه مبلغی جهت تعمیر آن دو مسجد پرداخت و خرابی‌ها ترمیم شد (واله اصفهانی، ۱۳۸۰: ۶۵۹). این گزارش از برپایی نماز جمعه در این دوره حکایت دارد. در این دوره محقق سبزواری در دفاع از برگزاری نماز جمعه، و رد ادله مخالفان استدلال می‌کند (سبزواری، ۱۳۸۳: ۱۳۸-۱۳۹) و در برابر اتهامات مخالفان شیعه، می‌گوید محققان علمای شیعه آن را واجب عینی می‌دانند (همان: ۱۳۷). یکی از مناصبی که در این دوره در کنار امام جمعه وجود داشته خطیب بوده که در روزهای جمعه در مسجد جامع حاضر می‌شد و پیش از آن که نماز جمعه گذارده شود، او شروع به خطبه خواندن می‌کرد (میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۲۸۰). از این گزارش، به دست می‌آید که خواندن خطبه‌ها را خطیب و نماز را امام جمعه می‌خوانده است. خادم اصفهانی در بحث نماز، یکی از نمازهای واجب را نماز جمعه ذکر کرده و اشاره کرده که در میان مجتهدین در باب آن در زمان غیبت امام اختلاف است، اما اصح آن است که هرگاه شخص عادل باشد، مخیر است که نماز جمعه بگذارد یا نماز ظهر، هرچند ثواب نماز جمعه را بیشتر می‌داند. درباره خطبه‌های نماز جمعه نیز می‌گوید می‌تواند پیش نماز بخواند یا دیگری بخواند (خادم اصفهانی، ۱۳۹۵: ۶۸) که نشان می‌دهد در کنار امام جمعه می‌توانست خطیب برای خطبه‌ها حضور داشته باشد.

در این دوره مراسم اعتکاف نیز در مساجد به‌ویژه مسجد شاه (از سوی شیخ لطف‌الله) برگزار می‌شده و با تلاش او که رساله اعتکافیه‌ای هم در این باره نوشت و حمایت شیخ بهایی، در شهرهای

دیگر نیز طبق سنت شیعی برگزار می‌شده است (شیخ لطف‌الله، رساله اعتکافیه، برگ‌های ۲-۷؛ رساله اعاده نماز، برگ ۲، ۱۴-۱۵). پیش از او شیخ بهایی (۱۳۹۲: ۱۵۱) به اجرای آیین اعتکاف مبادرت کرده است (برای آگاهی بیشتر، ر.ک. اسماعیلی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۵۷-۱۶۲). مؤلف تحفه صفویه، فصلی در اعتکاف آورده و احکام آن را برای مردم توضیح داده است. در این اثر آمده است که اعتکاف توقف روزه‌دار است سه روز یا بیش از آن در مسجد جامع برای رضای خدا و در آن ثواب بسیار است، به‌ویژه اگر در دهه آخر ماه رمضان معتکف شوند. می‌گویند اعتکاف در غیر مسجد جامع صحیح نیست و اعتکاف کننده جایز نیست از مسجد بیرون رود مگر برای حاجتی یا عیادت بیمار یا تشییع جنازه و مانند آن. اگر از مسجد بیرون رفت در جاهای سقف‌دار نباید بنشیند و نماز گزاردن در غیر مسجدی که در آن اعتکاف کرده جایز نیست. سپس محرمات ایام اعتکاف و کفاره آن را برشمرده است (خادم اصفهانی، ۱۳۹۵: ۱۰۳-۱۰۴).

چون انجام فرائض دینی براساس سنت شیعی نیازمند آگاهی مردم از احکام آن بود، برخی از عالمان عصر صفوی به نگارش رساله‌های عملی مبادرت می‌ورزیدند و در قالب این رساله‌ها به مردم فروع دین و احکام عملی عبادی را آموزش می‌دادند، چنان‌که شیخ بهایی به فرمان شاه عباس اول در این باره به تألیف جامع عباسی؛ یعنی متن فقهی یا رساله عملیه برای استفاده در قلمرو صفوی پرداخت. این کتاب که برجسته‌ترین اثر فقهی شیخ بهایی است، به فارسی نوشته شده و اثری نوآورانه در متون فقهی به انگیزه پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و برآوردن نیازهای شرعی مردم، شامل یک مقدمه و بیست باب، از طهارت تا دیات، نوشته شده است (عاملی، بی‌تا). خادم اصفهانی از دیگر علمای این دوره، تحفه صفویه را براساس نیازی که بر جامعه حاکم بود نوشت و به شاه صفی تقدیم کرد. او کتاب را در یک مقدمه، سه بخش و یک خاتمه تنظیم کرده است. در باب سوم به حقیقت مذهب ائمه و نقد مذهب مخالفین و ذکر مجملی از فضایل امیرالمؤمنین علی (ع) پرداخته است. خاتمه کتاب در بیان نقد افعال ابی‌بکر، عمر و عثمان و چهار مذهب سنیان است (ر.ک. خادم اصفهانی، ۱۳۹۵).

مسجد و آموزش معارف شیعی

یکی از تأسیساتی که برای فعالیت مذهبی صدر و دیگر مقام‌های مذهبی نظیر شیخ‌الاسلام، ائمه جمعه و جماعات، خطبا و وعاظ شیعی، در ترویج معارف شیعی در جامعه نقش مهمی داشت، همین مساجد بودند که پایگاه حضور این مبلغان و مروجان دین و مذهب بودند. از سوی این مقامات دینی در مساجد جلسات درس، بحث و فحص علمی، تربیت طلاب، جلسات وعظ و برگزاری مراسم

عبادی و مذهبی برپایه متون، مضامین و اندیشه شیعی برگزار می‌شد. مورخان اشاره کرده‌اند که در آغاز صفویه، مردم از مسائل و قواعد و قوانین مذهب شیعه اثنی‌عشری جعفری به دلیل در دسترس نبودن کتاب‌های فقهی و حدیثی امامیه، آگاهی درستی نداشتند. حتی برای تعلیم و تعلم مسائل فقهی، جلد اول کتاب *قواعد الاسلام* علامه حلی (شیخ جمال‌الدین حسن بن یوسف بن مطهر، م ۷۲۶ق.) از عالمان شیعی عصر ایلخانیان را مبنا قرار دادند (روملو، ۱۳۸۴: ۹۷۷/۲؛ واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۱۲۳) تا این که با نشر تشیع در کشور پس از دوران تقیه و خفا با ظهور عالمان شیعی در عرصه حکومت و جامعه، کتاب‌های مرجع در عرصه مذهب شیعه رونق گرفت. پس از آن، علما و فضلا شروع در مسائل و مباحث مذهب شیعه اثنی‌عشری کردند و کتب فقه امامی را رواج دادند (قمی، ۱۳۸۳: ۷۳/۱؛ روملو، ۱۳۸۴: ۹۷۷/۲؛ راقم سمرقندی، ۱۳۸۰: ۷۳؛ واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۱۲۳-۱۲۲). بی‌گمان یکی از کانون‌هایی که این مباحث در آن مطرح می‌شد، یا به تعلیم و تعلم آن می‌پرداختند، مساجد بودند که در کنار نقش عبادی و مذهبی، نقش آموزشی هم داشتند.

برخی از مساجد دارای حجره‌هایی برای سکونت طلاب و روحانیان بود و آنها از درآمد موقوفات مسجد استفاده می‌کردند (شاردن، ۱۳۷۴: ۱۴۳۵/۴؛ تاورنیه، ۱۳۶۹: ۸۲؛ فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۱۳۱، ۱۴۴). ایوان‌های مساجد جایگاه مناسبی برای تحصیل انواع علوم بود (شاردن، ۱۳۷۴: ۱۴۳۵/۴). استادان و طلاب علوم دینی زیر طاق‌های رواق‌ها به تدریس و تحصیل می‌پرداختند (همان: ۱۵۱۱). در اتاق‌های زیاد مسجد دو طبقه و بزرگ میرزا رضی اصفهان که خود او بنا کرده بود، گروهی از طالبان علم دین و ادبا سکونت داشتند و درس می‌خواندند (همان: ۱۵۴۴). در شیراز الله‌وردی‌خان مسجدی بسیار زیبا از سنگ سفید ساخته بود با حجره‌هایی برای سکونت فقیهان، ملایان و رهگذران غریب (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۱۳۱). عالمان از منبر مساجد برای وعظ مردم استفاده می‌کردند (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۲۹). آنها روزهای جمعه در مسجد و بر روی منبر برای مردم تفسیر قرآن می‌گفتند. از وظایف عالمان تدریس علوم شرعی و تعلیم به شاگردان و طلاب بود. کسانی از این روحانیان، قاری بودند که روی منبر دیگری روزهای جمعه قرآن قرائت می‌کردند (تاورنیه، ۱۳۶۹: ۵۸۹؛ جملی کارری، ۱۳۸۳: ۱۵۳). همچنین در این مساجد «معمولاً بعد از ظهر روزهای جمعه پس از نماز و ایام اعیاد مذهبی، خطبا و وعاظ به خطابت و موعظه می‌پرداختند» (شاردن، ۱۳۷۴: ۱۴۳۴/۴) و خطبا بر روی منبر آیاتی از قرآن را تلاوت و تفسیر می‌کردند (اولثاریوس، ۱۳۶۹: ۷۶۱/۲). در واقع مساجد، نوعی مدرسه به‌شمار می‌آمدند که حدیث و فقه و قرآن در آنها آموزش داده می‌شد و مردم با مسائل شرعی و دینی آشنا می‌شدند. بنابر گزارشی، حتی در هر مسجد یک ملا و معلم و یک

خلیفه یا دستیار معلم، وظیفه آموزش کودکان و جوانان را عهده‌دار بود. این دانش‌آموزان خواندن و قرائت را با قرآن شروع می‌کردند (همان: ۶۷۵). در این دوره، مدرسه‌های دینی اغلب در جوار مساجد قرار داشتند. طلاب و روحانیان در این مساجد نماز می‌خواندند و به مباحث عمومی که مطرح می‌شد گوش می‌دادند (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۳۹، ۱۴۴).

شاه طهماسب در سال ۹۷۶ یا ۹۷۷ ق. به علما و فضایی برجسته احکام اکید صادر کرد که در سراسر کشور مجالس وعظ منعقد کنند و به موعظه مردم بپردازند؛ به‌ویژه نمازهای جمعه و جماعات نباید از وعظ خالی باشد (شیرازی، ۱۳۶۹: ۱۳۱). در مساجد نسخه‌های متعدد قرآن، کتاب‌های مذهبی و ادعیه، تفسیر، تاریخ و... وجود داشت که مورد استفاده روحانیان، طلاب و وعاظ قرار داشت و برای زائران و نمازگزاران می‌خواندند (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۱۴۴).

از خطبای معروف دربار شاه طهماسب، میرسیدعلی خطیب از سادات استرآباد بود که پیوسته به منصب خطابت و گاهی به شغل احتساب ممالک اشتغال داشت و در اجرای امر به معروف و نهی از منکر، که از وظایف شغل احتساب بود، بسیار شدید رفتار می‌کرد (واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۴۲۰-۴۲۱). ملا جلال‌الدین حافظ تبریزی و ملا سعدالدین محمد نیز در تبریز منصب خطابت داشتند (همان: ۴۲۷). تعداد زیاد چنین پایگاه‌های تبلیغی نظیر مساجد، بقاع متبرکه و امام‌زاده‌ها که خود نمونه مساجد طبیعی بودند، فرصت مناسب را برای سادات و عالمان بسیار این دوره برای نشر اندیشه شیعی و معارف اهل بیت علیهم‌السلام بدون ترس و تقیه روزگار پیش از آن فراهم می‌کرد. برای نمونه، ملا عبدالله شوشتری (م ۹۹۷ ق.) از عالمان برجسته زمان شاه طهماسب، در روضه رضوی مدت‌ها «به افاده علوم و هدایت و ارشاد خلق‌الله و ترویج شریعت غرأ و امر به معروف و نهی از منکر قیام می‌نمود» و گاهی در جمعه‌ها به وعظ می‌پرداخت و جمعی بسیار در مجلس موعظه او بهره‌مند می‌شدند. در پرتو ارشادات او بسیاری از مردم از گمراهی به هدایت و آگاهی رسیدند. او در سال ۹۹۷ ق. در حمله اوزبکان به مشهد به اسارت گرفته شد و به ماوراءالنهر برده شد. در آن‌جا با علمای ماوراءالنهر در باب حقیقت مذهب ائمه اثنی‌عشری مناظره کرد؛ اما متعصبان حنفی‌مذهب بر او هجوم برده و او را کشتند (منشی، ۱۳۷۷: ۲۴۵/۱؛ واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۴۳۱).

با این‌که در دوره شاه اسماعیل اول کمبود علمای شیعی در کشور وجود داشت، اما به تدریج که خبر فتوحات شاه اسماعیل و بنیان‌گذاری سلطنت شیعی‌مذهب در ایران به خارج از مرزها سرایت می‌کرد، مهاجرت علمای شیعی از سرزمین‌های عربی به ایران آغاز شد که البته، در دوره شاه طهماسب شکل و قوام و استمرار به خود گرفت. شاه طهماسب کوشید تشکیلات دینی- مذهبی

حکومت را با به‌کارگیری علما و فقهای تشیع گسترش دهد تا بتواند جامعه شیعی را استوار سازد. هر کدام از این علما چه در تصدی مناصب مذهبی و چه در اداره مساجد و مدارس و تربیت شاگرد و نگارش کتاب و رساله در موضوع‌های گوناگون دینی و مذهب تشیع، خدمات ارزشمندی را در نشر و ترویج اندیشه و معارف شیعی در جامعه آن عصر انجام دادند که بخش زیادی از این فعالیت‌ها از پایگاه مسجد صورت می‌گرفت (ثواقب و مروتی، ۱۳۹۵: ۳۸).

مورخان عصر صفویه فهرست تفصیلی از سادات، علما و فضلالی شیعی عصر صفویه ارائه داده‌اند که در مناصب صدارت، شیخ‌الاسلامی، قضاوت، قاضی‌عسکری، تولیت بقاع و مساجد، اداره موقوفات، پیش‌نمازی مساجد، امامت جمعه، محتسب‌الممالکی، نقابت، مجتهدی، تصدی شریعت، وکیل حلالیات، خطابت و وعظ، خادمی بقاع، تدریس و تحقیق، مشغول بوده و همگی در امر ترویج مذهب شیعه و احکام شریعت براساس فقه امامیه و تربیت شاگرد در جامعه فعال بوده و آثار متعددی در فقه، فلسفه، کلام، تفسیر، حدیث و معارف شیعی تألیف کرده‌اند. افزون بر مکان‌هایی مانند خانه‌های شخصی، مدارس و...، یکی از پایگاه‌های مهم برای فعالیت این روحانیان، مساجد مختلف شهرها بود که بر منبرها و در ایوان‌ها و مدرّس‌های آن، به ترویج و تعلیم عقاید شیعی می‌پرداختند. برای فهرست این عالمان در دوره شاه اسماعیل اول (ر.ک. خواندمیر، ۱۳۳۵: ۶۰۳/۴-۶۱۸؛ واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۳۰۵-۳۲۱)، دوره شاه طهماسب (منشی، ۱۳۷۷: ۲۲۸/۱-۲۵۱؛ واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۴۱۲-۴۴۳)، دوره شاه عباس اول (منشی، ۱۳۷۷: ۱۸۱۳/۳-۱۸۱۴)، دوره شاه صفی (واله اصفهانی، ۱۳۸۰: ۳۲۵-۳۲۶، ۳۶۴-۳۶۶)، دوره شاه عباس دوم (شاملو، ۱۳۷۴: ۳۳/۲-۶۰).

ضرورت حضور عالمان در جامعه و لزوم توجه پادشاهان به آنها و رعایت تکریم و احترام آنان در اندیشه سیاسی آن دوره تأکید شده است. ملامحمدباقر سبزواری (م. ۱۰۹۰ ق.) از عالمان دوره صفویه، در اثری که در اخلاق و شیوه کشورداری نوشته است، در فصل آداب سلوک پادشاه نسبت به حکما، فقها، دانشمندان و اصحاب فتوا و درس که اصحاب ارشاد و هدایتند، به اقسام علما (شامل: حکما، محدثان، فقها، مجتهدان، مفسران، علمای لغت و ادب) اشاره کرده (سبزواری، ۱۳۸۳: ۵۹۷-۶۰۰) و بر ضرورت وجود آنها در جامعه و لزوم توجه پادشاه به ایشان تأکید کرده است. او بر پادشاه لازم دانسته که همه طبقات اهل علم را اکرام و احترام کند و از فوائد و برکات علمی آنها بهره‌مند شود و سخنان و فواید ایشان را بشنود (همان: ۵۹۸). او به‌ویژه بر رعایت سادات و ذریه رسول(ص) از سوی پادشاه با استناد به روایاتی از معصومین تأکید ورزیده و بر پادشاه لازم دانسته که در این وظیفه سستی و کوتاهی نکند (همان: ۶۰۰-۶۰۱). این تأکیدها به لحاظ ضرورت نقش این عالمان

در آگاهی بخشی به جامعه، هدایت و ارشاد مردم و ترویج اندیشه شیعی است که حکومت صفوی خود را حامی آن اعلام کرده بود. از سویی، بخش عمده‌ای از فعالیت این عالمان در مساجد صورت می گرفت و حضور آنها موجب رونق و گسترش این پایگاه‌های دینی و تبلیغی می شد. با گسترش مدارس دینی در کشور به همت شاهان، بزرگان، عالمان و دیگر افراد خیر، پایگاه اصلی مسائل علمی و تعلیم و آموزش مسائل دینی در مدارس قرار گرفت؛ اما مساجد همچنان نقش تبلیغی و ترویجی خود را در زمینه نشر مفاهیم مذهبی در میان عامه مردم حفظ کرد.

ترویج شعائر شیعی در کتیبه‌های مساجد

در عصر صفویه، از کتیبه‌ها و هنر خطاطی (خط کوفی، تعلیق و نستعلیق) به عنوان عنصر تزئینی، در معماری مساجد و دیگر بناها استفاده می شد. این کتیبه‌ها در قسمت‌های خارجی بنا، همانند مناره‌ها، سردرها، پایه گنبدها و در قسمت‌های داخلی محراب، قبله و پایه داخلی گنبد کاربرد داشت (شایسته فر، ۱۳۸۴: ۹۰؛ همو، ۱۳۸۰: ۶۰). در مسجد جامع اصفهان کتیبه‌های متعددی از دوره صفویه در ترویج و تبلیغ نام‌ها، فضایل و مناقب ائمه شیعی وجود دارد. با توجه به جایگاه این مسجد در اجتماع مردم، تأثیر این کتیبه‌ها در روند شیعه‌سازی جامعه بسیار مهم بوده است. این کتیبه‌ها که به خط ثلث برجسته، خط بنایی، خط نستعلیق، در کتیبه‌های گچ‌بری، در مقرنس‌ها، در لوح‌های کاشی، ترنج‌ها، مربع‌ها، بر لوح‌های سنگی، در ایوان‌ها، اطراف محراب‌های مرمری، در اطراف پنجره‌های مشبک، بر سردر و در گوشه‌های مختلف مسجد و بر سنگاب‌های آن نوشته شده‌اند، شامل آیات قرآن، روایات، ادعیه و فضایل ائمه شیعی است (برای نمونه‌ها، ر.ک. هنر فر ۱۳۵۰: ۹۰-۱۶۸).

در این دوره، هم در معماری و آرایه‌ها و تزئینات و نقوش مساجد و هم در کاربرد آیات و احادیث در کتیبه‌ها و جنبه‌های هنری آن، مضامین شیعی، که مذهب رسمی جدید جامعه بود، تبلور داشت و از طریق زیبایی‌های حسی و بصری در ترویج اندیشه شیعی در میان مردم و کسانی که به مساجد می آمدند بهره می گرفتند. بسیاری از آیات و احادیث کتیبه‌های مساجد در ستایش و منقبت ائمه شیعی و گزیده‌هایی از کلمات آنهاست.

افزون بر اسماء مبارک حق تعالی، آیات و سوره‌های قرآن برای تشویق مردم به درک ستایش خداوند، احادیث، نکات پند و اندرزی و حکمی، نام‌های مبارک حضرت رسول (ص) و ائمه طاهرین، دعاها، مناجات، بیان اعتقادات و شعارهای مذهبی تشیع به کرات در عبارات کتیبه‌ها به کار رفته است. این کتیبه‌ها دربرگیرنده آیات مربوط به فضایل ائمه مانند آیه تطهیر، مودت و ... کتیبه‌های

دعایی در بیان فضیلت‌های خاندان پیامبر و ستایش امامان، سخنانی درباره مناقب اهل بیت، روایت‌هایی از پیامبر درباره دوستی و محبت به علی و فاطمه و حسنین، گزیده برخی دعا‌های مهم مانند جوشن کبیر، شهادتین، عبارت علی ولی الله و وصی رسول الله امیرالمؤمنین، لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله (به تکرار)؛ ... علی ولی الله حقاً حقاً، ... الحسن والحسین سبطاً نبی الله، ... امیرالمؤمنین علیاً ولی الله، الحسن والحسین سبطاً رسول الله، عبارت ترکیب کلمات الله، محمد و علی، عبارت نادعلی (ناد علیاً مظهر العجائب...) کامل و به کرات، دعا در حق امامان، استفاده از کلمه علی و تکرار آن برای تزئین بناهای مذهبی در ستاره‌های هشت‌گوش و مربع‌ها، دعا خطاب به پنج‌تن، نوشتن نام دوازده امام در کتیبه‌ها، صلوات بر پیغمبر، صلوات بر دوازده امام، صلوات بر چهارده معصوم (به تکرار)، توسل به چهارده معصوم (نبی عربی و رسول مدنی و اخیه اسدالله مسمی بعلی...)، احادیث مربوط به ائمه و علی (ع) مانند حدیث منزلت، حدیث سفینه، حدیث حب علی، حدیث باب علم: انا مدینه العلم و علی بابها و غیره است. هم‌چنین ذکر اشعار عربی و فارسی: علی حبه جنة، قسیم النار والجنة، وصی المصطفی حقاً امام الانس والجنه؛ چون نامه جرم ما بهم پیچیدند/ بردند و به میزان عمل سنجیدند/ بیش از همه کس گناه ما بود ولی / ما را بمحبت علی بخشیدند؛ ز مشرق تا به مغرب گر امام است/ علی و آل او ما را تمام است؛ مصطفی شد شهر علم آن مملکت را در علی است/ تا دهندت راه در این شهر علم از در درآ. افزون بر این، احادیثی از پیامبر و امام صادق در فضیلت مسجد، ثواب ورود به مسجد؛ مطالبی درباره فضیلت مسجد و آداب شرعی و اخلاقی درباره مساجد نیز در این کتیبه‌ها آمده است (برای متن و نمونه‌های این کتیبه‌ها، ر.ک. هنرفر، ۱۳۵۰: ۹۰-۱۴۹؛ شایسته‌فر، ۱۳۸۴: ۱۶۴-۱۸۵؛ همو، ۱۳۸۰: ۶۱-۹۱).

هر کدام از این کتیبه‌ها تابلویی تبلیغی برای شعائر شیعی بوده است. شیعی بودن شاهان صفوی و هم معماران مساجد و نیز حضور و نظارت عالمان شیعی هنگام ساخت این بناها (برای نمونه‌ای، ر.ک. شاردن، ۱۳۷۴: ۱۴۳۵/۴) موجب شد که نمادهای شیعی در مساجد و دیگر بناهای این دوره تبلور یابد. درواقع معماری و هنر مساجد برای صفویان یک ابزار رسانه‌ای در منظر و مرأی مردم برای بازتاب انگاره‌های شیعی بود. علمای برجسته آیات قرآن و روایات و کلمات قصار امامان شیعه را برای مساجد (نمونه، مسجد جامع عباسی اصفهان) انتخاب می‌کردند و کتیبه‌نگاران سرشناس، آنها را به خط خوش کوفی، تعلیق و نستعلیق بر روی کاشی‌های زیبا نقش می‌کردند (شاردن، ۱۳۷۴: ۱۴۳۱/۴، ۱۴۳۶، ۱۵۱۱؛ کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۳۱).

آرامگاه‌های مذهبی و مسجدهای وابسته به آن‌ها یکی از پایگاه‌هایی بود که کتیبه‌نگاری کاربرد زیادی در آن‌ها داشت. در کنار این بقاع، تأسیسات عمومی معینی شامل مسجد، مدرسه علوم دینی، باغ، گرمابه و تکیه برای سکونت زائران، از طریق وصیت شاهان یا از محل موقوفات دینی که بزرگان و اعیان اختصاص می‌دادند، ساخته می‌شد (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۳۴). از این مجموعه آرامگاهی و هنرهای تزئینی آن‌ها و کاربردهای دینی، علمی، فرهنگی و اجتماعی آن در جهت نشر اندیشه شیعه در جامعه به‌نحو گسترده‌ای استفاده می‌شد. برای نمونه، آرامگاه امام رضا (ع) و مسجد آن که کتیبه‌های متعددی به قلم خوشنویس معروف عصر صفویه، محمدرضای امامی، بر پیشانی در مسجد، دور گنبد ایوان و دیگر اضلاع آن نوشته شده است. این کتیبه‌ها حاوی آیات قرآن، صلوات بر پیامبر و ائمه طاهرین و تاریخ تعمیر و ذکر نام پادشاهان صفویه است که تعمیراتی در مسجد انجام داده‌اند. از جمله؛ سوره‌های مبارکه یس، جمعه، فتح، تبارک، و ان یکاد...، آیات مربوط به مسجد و آیات متعدد دیگر قرآن، کلمات لاله‌الاله، الله اکبر، الملک لله، محمد، علی، علی ولی‌الله، احادیثی از پیامبر و ائمه درباره دنیا، نماز و مسجد است (ر.ک. اعتمادالسلطنه، بی‌تا: ۱۳۸/۲-۱۵۲). همچنین مساجد جامع شهرها که پایگاه حضور عامه مردم در ایام خاص مثل نماز جمعه بوده، مکان مناسبی بود برای شاهان صفوی و برخی از بزرگان حکومتی که فرامین و احکام گوناگون حکومتی خود را در باب اوامر و نواهی مذهبی، موقوفات، بخشودگی‌ها و تخفیفات مالی و بازدارندگی کارگزاران از تعدی به حقوق مردم و خبر فتح و پیروزی در جنگ‌ها و دیگر مسائل مهم را در جمع انبوه مردم از طریق خواندن یا نصب سنگ‌نوشته به آگاهی عموم برسانند. سنگ‌نوشته‌های متعددی از این فرامین شرعی در مساجد جامع شهرها نصب شده که در برخی متون جغرافیایی و پژوهش‌های جدید مربوط به شهرهای ایران می‌توان از متن آنها آگاه شد. این فرامین نشان می‌دهند که از مساجد جامع به‌عنوان مرکزی برای اطلاع‌رسانی و اعلام احکام و فرامین دولتی به‌ویژه اجرای امر به معروف و نهی از منکر و رعایت احکام شرعی استفاده می‌شده است.

برگزاری مراسم عزاداری ائمه شیعی در مسجد

در دوره صفویه، یکی از پایگاه‌ها برای برگزاری مراسم ایام شهادت ائمه شیعی، مساجد بودند. صفویان در قالب برگزاری این گونه مراسم، به نشر فضایل ائمه شیعی و ترویج اندیشه شیعه در جامعه می‌پرداختند. در واقع این مناسبت‌ها فرصت‌هایی بود که صفویان از آنها در جهت هدف اصلی خویش که شیعی‌سازی جامعه بود بهره می‌گرفتند. مراسم سوگواری شهادت امام علی (ع) در ۲۱ ماه رمضان در مساجد و در قالب دسته‌های عزاداری همراه با تابوت‌های سیاه‌پوش شده، بیرق‌های

تزیین شده و دیگر شمایل و علم و کتل‌ها و با نوای طبل و سنج و دیگر وسایل انجام می‌شده است. در این مراسم شاه، سران و بزرگان کشور نیز در این دسته‌ها حضور می‌یافتند و مسئولان و مأموران حکومتی بر حرکت دسته‌ها نظارت می‌کردند. در این گونه مراسم، خطبا در جمع مردم درباره حضرت علی (ع) سخنرانی می‌کردند و با مرثیه‌خوانی آن‌ها، حضار گریه و شیون سر می‌دادند. در پایان مجلس، تابوت‌گردانی می‌کردند که نمایشی از تابوت حضرت علی بود (دلواله، ۱۳۷۰: ۸۵-۸۶؛ اولثاریوس، ۱۳۶۹: ۴۶۳/۲-۴۶۴).

برگزاری مراسم ماه محرم نیز در این دوره افزون بر سطح شهرها، در خیابان‌ها، کوچه‌ها، میدان‌ها، خانه‌ها و جلوی قصر شاه و مقر حکام، در مساجد و به‌ویژه مساجد جامع و بقاع مذهبی برگزار می‌شده است. این مراسم هر ساله در ده روز اول محرم تا روز عاشورا با شکوه خاصی برگزار و مردم عزادار (مردان، زنان و کودکان) با لباس‌های سیاه، شب‌ها در سرتاسر شهر به مساجد می‌رفتند و زیر نور فانوس‌ها و مشعل‌ها مصیبت‌خوانی و روضه‌خوانی می‌کردند. نوحه‌خوان‌ها به نوحه‌خوانی و مرثیه‌خوانی می‌پرداختند. عالمان بر فراز منبرها شرح وقایع کربلا را برای مردم بیان می‌کردند. خطبا و وعظ در مصیبت امام حسین وعظ می‌کردند و عزاداران می‌گریستند. دسته‌های مختلف محلات با محمل‌هایی بر شتر که نشانه اسرای کربلا بود، همراه با طبق، بیرق، نخل و دیگر اشیاء سوگواری به راه می‌افتادند و به عزاداری می‌پرداختند. فضای شهر و مکان برگزاری مراسم با پارچه و تزیین‌های دیگر سیاه‌پوش و به رنگ عزا درمی‌آمد. شاهان صفوی، بزرگان کشور و عالمان دینی در مراسم عزاداری حضور می‌یافتند و برخی از این مراسم حتی جلوی قصر شاه برگزار می‌شد. شاهان صفوی خود به برپایی مراسم عزاداری محرم اهتمام داشتند. گزارش‌های متعدد سیاحان اروپایی نشان می‌دهد که در ایام سلطنت همه پادشاهان صفویه مراسم سوگواری امام حسین (ع) در ماه محرم برگزار می‌شده است (ر.ک. ممیره، ۱۳۹۸: ۱۱۹-۱۲۰؛ کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۳۲؛ دلواله، ۱۳۷۰: ۱۲۲-۱۲۶؛ فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۳۰۷-۳۱۴؛ آنتونیو دو گوه‌آ، به نقل از فلسفی، ۱۳۶۹: ۳/ ۸۵۴-۸۵۷؛ اولثاریوس، ۱۳۶۹: ۴۸۷/۲-۴۸۹؛ اشترویس، ۱۳۹۶: ۱۱۳-۱۱۸، ۱۲۱؛ تاورنیه، ۱۳۶۹: ۴۱۲-۴۱۶؛ جملی کارری، ۱۳۸۳: ۱۴۹؛ کروسینسکی، ۱۳۶۹: ۵۹-۶۰). در گزارش‌های مورخان نیز به برگزاری این مراسم از سوی شاهان صفوی اشاره شده است (ر.ک. منجم یزدی، ۱۳۶۶: ۱۵۰، ۲۴۳؛ منشی، ۱۳۷۷: ۱۰۶/۲؛ نصیری، ۱۳۷۳: ۳۲-۳۳). پادشاهان صفویه از این مراسم مذهبی که هر ساله برگزار می‌کردند و بهره‌گیری از ظرفیت عاشورا در نشر اندیشه شیعه و احیاء و ترویج نام و خاطره ائمه شیعی در جامعه استفاده می‌کردند.

نه تنها مراسم سوگ، که مراسم اعیاد نظیر عید غدیر (اولتاریوس، ۱۳۶۹: ۴۶۵/۲؛ منجم یزدی، ۱۳۶۶: ۲۲۳) نیز در مساجد برگزار می شده است. هم چنین از مراسم عید فطر و عید قربان یاد شده که به یقین در مساجد، چنان که در میدان های شهرها، برپا می گردیده است (ر.ک. ممبره، ۱۳۹۸: ۱۰۱، ۱۰۸؛ دلاواله، ۱۳۷۰: ۱۰۸-۱۱۰؛ تاورنیه، ۱۳۶۹: ۴۱۶). برخی سنت ها و مراسم دیگر برای نمونه، «مراسم تعزیت و شرایط غسل و تکفین و صلاه [نماز میت]» به سنت شیعی (جنابدی، ۱۳۷۸: ۳۷۱) و توسط عالمان دین در مساجد انجام می شد. برپایی همه این مراسم در جهت ترویج سنت های شیعی در جامعه از پایگاهی چون مسجد صورت می گرفته است.

نتایج پژوهش

از آنچه در این مقاله مطرح شد می توان نتیجه گرفت که صفویان با رسمی کردن مذهب تشیع در جامعه، نیاز داشتند که این اندیشه را در جامعه گسترش داده و نهادینه سازند. از جمله تأسیساتی که آن ها را در این امر کمک می کرد، مسجد و مدرسه بود که صفویان اهتمام زیادی به اصلاح و احیاء تأسیسات پیشین و نیز ساخت بناهای جدید به کار بستند. در نتیجه این اهتمام، مساجد بسیاری از همان سده دهم هجری (ایام شاهان نخست صفویه) در سراسر کشور ساخته شد و در دوره های بعدی نیز این سنت مسجدسازی توسعه پیدا کرد و مساجد معروفی به ویژه در اصفهان پایتخت صفویه بنا نهاده شد. این مساجد از سوی علما و مناصبی که در آن ها قرار داده شد، اداره می شدند و در آن ها مراسم مذهبی، نمازهای روزانه، نماز جمعه (در مساجد جامع)، برگزاری کلاس درس و بحث مسائل دینی، وعظ و اندرز مردم و سایر امور فرهنگی و اجتماعی صورت می گرفت. مسجد با معماری ویژه خود و کتیبه ها و تزئینات وابسته به آن در بازتاب اندیشه و مفاهیم شیعه و ترویج نام و فضایل امامان شیعه در جامعه نقش مهمی داشت و کارکردی همانند یک رسانه تبلیغی داشت. همچنین مسجد از پایگاه های اصلی حضور عالمان شیعی برای تبیین معارف شیعه در میان مردم و نشر و گسترش این مذهب در پیکره جامعه بوده است. بسیاری از مساجد عصر صفویه در گستره تمدنی اسلام و ایران از اهمیت برخوردارند و بخشی از میراث فرهنگی و تمدنی ایران اسلامی را تشکیل می دهند.

منابع و مطالعات

آقاجری، هاشم (۱۳۸۹)، *مقدمه ای بر مناسبات دین و دولت در ایران عصر صفوی*، تهران: طرح. آنجلولو، جووان ماریا (۱۳۸۱)، *سفرنامه*، در: *سفرنامه های ونیزیان در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، تهران: خوارزمی.

اسپناقچی پاشازاده، محمدعارف (۱۳۷۹)، *انقلاب الاسلام بین الخواص و العوام*، به کوشش رسول جعفریان، قم: دلیل.

اسماعیلی، محبوبه؛ احمدی، نزهت و منصور صفت‌گل (۱۳۹۲)، «بررسی کارکردهای مختلف مساجد در عصر صفویه»، *پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی*، سال ۴۶، ش ۲، پاییز و زمستان: ۱۴۵-۱۷۲.

اشترویس، یوهان (۱۳۹۶)، *سفرنامه یوهان اشترویس*، ترجمه ساسان طهماسبی، قم: مجمع ذخائر اسلامی با همکاری کتابخانه و موزه ملی ملک-تهران.

اصفهان‌ی، محمدمعصوم بن خواجگی (۱۳۶۸)، *خلاصه‌السیر*، به کوشش ایرج افشار، تهران: علمی. اعتمادالسلطنه صنیع‌الدوله، محمدحسن‌خان (بی‌تا)، *مطلع‌الشمس*، نسخه افست شده، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

افندی، عبدالله بن عیسی بیگ (۱۳۸۹)، *ریاض‌العلماء و حیاض‌الفضلاء*، ترجمه محمدباقر ساعدی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

افوشته‌ای نظنزی، محمود بن هدایت‌الله (۱۳۷۳)، *تقاوه‌الآثار فی ذکرالآخیار*، به‌اهتمام احسان اشراقی، تهران: علمی و فرهنگی.

امینی هروی، امیرصدرالدین ابراهیم (۱۳۸۳)، *فتوحات شاهی*، تصحیح محمدرضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

اولثاریوس، آدام (۱۳۶۹)، *سفرنامه آدام اولثاریوس*، ترجمه حسین کُردبچه، بی‌جا: کتاب برای همه. بازگان ونیزی (۱۳۸۱)، *سفرنامه*، در: *سفرنامه‌های ونیزیان در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، تهران: خوارزمی.

بلانت، ویلفرد (۱۳۸۴)، *اصفهان مروارید ایران*، ترجمه محمدعلی موسوی فریدنی، به کوشش محمد احمدی‌نژاد، اصفهان: خاک.

بوسه، هریرت (۱۳۶۷)، *پژوهشی در تشکیلات دیوان اسلامی*، ترجمه غلام‌رضا وره‌رام، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

تاورنیه، ژان باتیست (۱۳۶۹)، *سفرنامه تاورنیه*، ترجمه ابوتراب نوری، تصحیح حمید شیرانی، بی‌جا: سنایی و تأیید اصفهان.

ثواقب، جهانبخش و فریده مروتی (۱۳۹۵)، «اقدامات فرهنگی شاه تهماسب اول در نهادینه‌سازی تشیع در جامعه»، *شیعه‌شناسی*، سال ۱۴، ش ۵۴، تابستان: ۳۱-۶۲.

- جعفریان، رسول (۱۳۷۹)، صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- جملی کارری، جووانی فرانچسکو (۱۳۸۳)، سفرنامه کارری، ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، تهران، علمی و فرهنگی.
- جنابدی، میرزاییگ حسن (۱۳۷۸)، *روضه‌الصفویه*، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- جهانبخشای خاقان: *تاریخ شاه اسماعیل* [مجهول المؤلف] (۱۳۶۴)، مقدمه الله‌دتا مضطر، اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- الحسینی، خورشاه‌بن قباد (۱۳۷۹)، *تاریخ ایلچی نظام‌شاه*، تصحیح محمدرضا نصیری و کوئیچی هانهدا، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- الحسینی تفرشی، محمدحسین (۱۳۸۸)، *مبادی تاریخ زمان نواب رضوان مکان (شاه صفی)*، ضمیمه تاریخ شاه صفی، تصحیح و تعلیقات محسن بهرام‌نژاد، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- حسینی خاتون‌آبادی، عبدالحسین (۱۳۵۲)، *وقایع‌السنین و الاعوام*، تصحیح محمدباقر بهبودی، تهران: کتابفروشی اسلامییه.
- الحسینی سوانح‌نگار تفرشی، ابوالمفاخر بن فضل‌الله (۱۳۸۸)، *تاریخ شاه صفی (تاریخ تحولات ایران در سال‌های ۱۰۳۸-۱۰۵۲ ق.)*، تصحیح و تعلیقات محسن بهرام‌نژاد، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- خادم اصفهانی، زین‌العابدین (۱۳۹۵)، *تحفه صفویه*، تصحیح و تحشیه حسین مسجدی و مهرب مرادی، تهران: منشور سمیر.
- خواندامیر، امیرمحمود (۱۳۷۰)، *تاریخ شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی*، تصحیح محمدعلی جراحی، تهران: گستره.
- خواندمیر، غیاث‌الدین (۱۳۵۳)، *تاریخ حبیب‌السیر*، تصحیح زیر نظر محمد دبیرسیاقی، تهران: خیام.
- خوانساری، محمدباقر موسوی (۱۳۹۰)، *روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات*، قم: اسماعیلیان.
- دریابل، ژرژ تکتاندر فن (۱۳۵۱)، *ایتیرپرسیکوم* «گزارش سفارتی به دربار شاه عباس اول»، ترجمه محمود تفضلی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- دلاواله، پیتر (۱۳۷۰)، *سفرنامه*، ترجمه شعاع‌الدین شفا، تهران: علمی و فرهنگی.
- دوغلان، میرزا محمدحیدر (۱۳۸۳)، *تاریخ رشیدی*، تصحیح عباسقلی غفاری‌فرد، تهران: میراث مکتوب.

راقم سمرقندی، میرسیدشریف (۱۳۸۰)، *تاریخ راقم*، به کوشش منوچهر ستوده، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.

رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم (۱۳۵۲)، *آثار ملی اصفهان*، تهران: انجمن آثار ملی.
 روملو، حسن بیگ (۱۳۸۴)، *احسن التواریخ*، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: اساطیر.
 زنو، کاترینو (۱۳۸۱)، *سفرنامه*، در: *سفرنامه‌های ونیزیان در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، تهران: خوارزمی.

سانسون، مارتین (۱۳۴۶)، *سفرنامه سانسون*، ترجمه تقی تفضلی، تهران: ابن سینا.
 سبزواری، محمدباقر (۱۳۸۳)، *روضه الانوار عباسی (در اخلاق و شیوه کشورداری)*، تصحیح اسماعیل چنگیزی اردهایی، تهران: میراث مکتوب.

شاردن، جان (۱۳۷۴)، *سفرنامه شاردن*، ترجمه اقبال یغمایی، تهران: توس.
 شاملو، ولی‌قلی (۱۳۷۱، ۱۳۷۴)، *قصص الخاقانی*، تصحیح حسن سادات ناصری، ج ۱ و ۲، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

شایسته‌فر، مهناز (۱۳۸۴)، *هنر شیعی*، تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.
 شایسته‌فر، مهناز (۱۳۸۰)، «جایگاه قرآن، حدیث و ادعیه در کتیبه‌های اسلامی»، *مدرس*، دوره ۵، ویژه‌نامه ش ۲۳: ۵۷-۹۴.

شیخ بهایی (۱۳۹۲)، *کلیات اشعار و آثار فارسی*، به کوشش کاظم عابدینی مطلق، قم: توسعه قلم.
 شیخ لطف‌الله، *رساله اعاده نماز*، نسخه خطی، ش ۳۵۵، قم: کتابخانه آیه‌الله بروجردی.
 شیخ لطف‌الله، *رساله اعتکافیه*، نسخه خطی، ش ۲۲۴۴، مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی.
 شیرازی، عبدی بیگ نویدی (۱۳۶۹)، *تکمله الاخبار*، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: نی.
 عالم‌آرای شاه اسماعیل [مجهول المؤلف] (۱۳۸۴)، *تصحیح اصغر منتظرصاحب*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

عاملی، بهاء‌الدین محمد (بی‌تا)، *جامع عباسی*، تهران: فراهانی و عابدی.
 عاملی، حسین بن عبدالصمد (بی‌تا)، *العقد الحسینی؛ الرسالة الوسواسیه*، تحقیق سیدجواد مدرسی یزدی، یزد: چاپخانه گلپهار.

فلسفی، نصرالله (۱۳۶۹)، *زندگانی شاه عباس اول*، تهران: علمی.
 فیگوئروا، دن گارسیا د سیلوا (۱۳۶۳)، *سفرنامه*، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران: نو.

- قمی، شیخ عباس (۱۳۸۵)، *فوائد الرضویه فی احوال علماء المذهب الجعفریه*، تحقیق ناصر باقری بیدهندی، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- قمی، قاضی احمد بن شرف‌الدین الحسینی (۱۳۸۳)، *خلاصه التواریخ*، تصحیح احسان اشراقی، تهران: دانشگاه تهران.
- کاتف، فدت آفاناس یویچ (۱۳۵۶)، *سفرنامه*، ترجمه محمدصادق همایونفرد، تهران: کتابخانه ملی.
- کرکی (محقق، شیخ)، علی بن الحسین (بی تا)، *رسائل المحقق الکرکی*، تحقیق محمد الحسون، اشراق: محمود المرعشی، قم: مکتبه آیةالله العظمی المرعشی النجفی.
- کرکی (محقق، شیخ)، علی بن الحسین (۱۴۱۰)، *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، قم: مؤسسه آل-البيت لاحیاء التراث.
- کروسینسکی، تادوز یودا (۱۳۹۶)، *سفرنامه کروسینسکی* (از شاه سلطان حسین تا نادرشاه)، ترجمه ساسان طهماسبی، قم: مجمع ذخائر اسلامی، کتابخانه و موزه ملی ملک.
- کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۳)، *سفرنامه*، ترجمه کیکاووس جهانگیری، تهران: خوارزمی.
- لاپیدوس، ایرا ام. (۱۳۷۶)، *تاریخ جوامع اسلامی از آغاز تا قرن هجدهم*، ترجمه محمود رمضان زاده، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- مجلسی، محمدتقی (بی تا)، *لوامع صاحبقرانی*، قم: اسماعیلیان.
- مدرس تبریزی، محمدعلی (۱۳۴۶)، *ریحانه‌الادب*، تبریز: چاپخانه شفق.
- مدرسی طباطبایی، حسین (۱۳۳۵)، *تربت پاکان*، قم: مؤلف.
- ممبره، میکله (۱۳۹۸)، *سفرنامه میکله ممبره*، ترجمه ساسان طهماسبی، قم: مجمع ذخائر اسلامی.
- منجم یزدی، ملا جلال‌الدین محمد (۱۳۶۶)، *تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال*، به کوشش سیف‌الله وحیدنیا، بی‌جا: وحید.
- منشی قزوینی، بوداق (۱۳۷۸)، *جواهرالخبار*، تصحیح محسن بهرام‌نژاد، تهران: میراث مکتوب.
- منشی، اسکندربیگ (۱۳۷۷)، *تاریخ عالم‌آرای عباسی*، تصحیح محمداسماعیل رضوانی، تهران: دنیای کتاب.
- میرزا رفیعا، محمدرفیع بن حسن (۱۳۸۵)، *دستورالملوک میرزا رفیعا*، به کوشش و تصحیح محمداسماعیل مارچینکوفسکی، ترجمه علی کردآبادی، تهران: وزارت امور خارجه.
- نصیری، محمدابراهیم بن زین‌العابدین (۱۳۷۳)، *دستور شهریاران*، به کوشش محمدنادر نصیری مقدم، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.

واله اصفهانی، محمدیوسف (۱۳۸۰)، *ایران در زمان شاه صفی و شاه عباس دوم (خلدبرین)*، تصحیح و تعلیق محمدرضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

واله اصفهانی، محمدیوسف (۱۳۷۲)، *خلدبرین، به کوشش میرهاشم محدث*، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.

وحید قزوینی، میرزا محمد طاهر (۱۳۸۳)، *تاریخ جهان‌آرای عباسی*، تصحیح سعید میرمحمدصادق، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

هنر فر، لطف‌الله (۱۳۵۰)، *گنجینه آثار تاریخی اصفهان*، اصفهان: کتابفروشی ثقفی.